

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر
عکس: گروه عکس همشهری، ویرایش عکس: کامییز نویدی
صفحه خوانی: امیر هوشنگ توکلی، ملیحه نعمت خواه

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار
معاون ضمائم: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویژه نامه: زکیه سعیدی
تحریریه: فرزین شیرزادی، سروش جنایی، سمیرا باباجانپور
ثریار و زبانهانی، حسن حسن زاده، شهره کیانوش راد
حمید رضار سولی، بهاره خسروی و فاطمه لیاف

صندوق پستی:
۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰



دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر ۳، نرسیده به پارک وی،
کوچه شهید فریبتی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

صفحات «روایت تهران» که پیش‌روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران خیابان‌ها و گذرگاه‌ها و واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های یادماند از خاطرات تهران دیرپو و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org، ۰۲۲-۲۲۲۵۵۰۴۲

قول و قرار ماندگار تاجران‌تجار با معمار شهیر شهر



■ موضوع: شخصیت‌نگاری محمود فرازنده
■ ویژگی: کاسب خوشنام، نیکوکار و واقف مسجد فرازنده

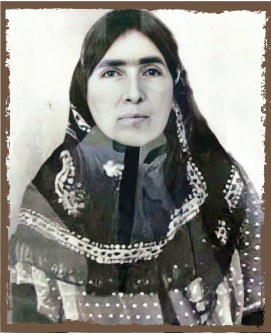
را می‌دید که به خاطر مشکل مالی از دواج نکرده، به مسئولان خیریه می‌گفت در کمترین زمان وامی به او بدهند تا تشکیل خانواده بدهد. برای دختران دم‌بخت چه‌بیزیه می‌خرید و به خانواده‌های نیازمند وام بدون سود می‌داد.»

یادگار ماندگار کاسب دلسوز محله حسن آباد اما مسجدی به نام اوست که با هنر استاد حسین لرزاده طراحی و اجرا شده است. فرازنده می‌گوید: «سال‌های آغازین دهه ۴۰ بود که حاج محمود تصمیم گرفت یادگاری ماندگار از خود به جا بگذارد. او بخشی از زمین ۱۶ هزار مترمربعی‌اش را که آن زمان انبار نگهداری شیشه بود، وقف ساخت مسجد کرد و از استاد حسین لرزاده خواست تمام هنرش را برای ساخت این مسجد به کار بگیرد. استاد لرزاده هم که از نیت خیر حاج محمود باخبر بود برای ساخت مسجد یک شرط داشت؛ شرطش این بود که برای ساخت مسجد از حاج محمود هیچ هزینه‌ای نگیرد تا او هم در این کار خیر سهیم شود.» حاج محمود نیز از ساخت مسجد نیتی نیک داشت. فرازنده می‌گوید: «حاج محمود نیت کرده بود تا زمانی که مسجد پایرجاست برای برگزاری مراسم ختم از هیچ صاحب عزایی پول نگیرند. هنوز هم خانواده حاج محمود تولیت مسجد را برعهده دارند و این رسم ماندگار نیز در مسجد اجرا می‌شود.» حاج محمود فرازنده سال ۱۳۶۹ درگذشت و در محوطه مسجد فرازنده به خاک سپرده شد.

بیش از ۳۰ دهه از درگذشت حاج محمود فرازنده می‌گذرد؛ کاسب خوشنام محله حسن آباد که سبک کاسبی و مردمداری‌اش شهره بوده و برای بسیاری از نیازمندان و جوانان چند دهه پیش این محله پدری کرده است. مسجد خیابان شهید زیدوند لرستانی که گنبد و کاشی‌های فیروزه‌ای آن چون نگینی در محله می‌درخشد، یادگار این واقف نیکوکار است. مصطفی فرازنده، نوه حاج محمود، از ماجرای یثیمی می‌گوید که تاجران‌تجار تهران شد و مسجدی ساخت که هنوز خانه نیازمندان است: «نوجوان بود که پدرش فوت کرد و حاج محمود شد سرپرست یک خانواده پرجمعیت. در اوج ننداری بودند که حاج محمود به مادرش قول داد با کسب حلال خرج خانواده را تأمین کند. پای قولش ایستاد و به‌عنوان کارگر شیشه‌بری وارد بازار شد. پله پله رشد کرد تا اینکه روزی به او لقب تاجران‌تجار دادند و آنقدر ثروتمند شد که شاه پیشکارش را برای عقد قرارداد به مغازه او فرستاد، اما حاج محمود که در بازار به تشریح و تدین معروف بود، دست رد به سینه فرستاده شاه زد.»

حاج محمود خیریه‌ای در محدوده گلپندک داشت که خانه امید نیازمندان و به‌ویژه جوانان در شرف ازدواج بود. فرازنده می‌گوید: «حاج محمود اگر جوانی

کار بزرگ دختر سرتیپ!



■ موضوع: دبستان ناموس
■ ویژگی: نخستین دبستان دخترانه تهران

مجلس از جمله میرزا اسیدمحمدصادق که به دلیل کمبود معلم زن و نبود ساز و کار مناسب برای حمایت از مدارس دخترانه با تاسیس این مدارس مخالف بودند. تاسیس مدارس دخترانه میان نمایندگان مجلس موافقانی هم داشت؛ به‌عنوان مثال ناظم‌الاسلام در حمایت از تاسیس این مدارس گفته بود: «در تربیت بنات و دوشیزگان وطن بکوشیم و به آنها لباس علم و هنر ببوشیم، چه تا دخترها عالم نشوند، پسرها به خوبی تربیت نخواهند شد.» همان روزها که پس از انقلاب مشروطه، بحث و جدل‌های بسیاری میان نمایندگان موافق و مخالف تاسیس مدارس دخترانه وجود داشت، طوبی آزموده وارد میدان شد و نخستین مدرسه دخترانه تهران و ایران را تاسیس کرد. منبعی می‌گوید: «آزموده نام این دبستان دخترانه را دبستان ناموس گذاشت. طولی نکشید که خانواده‌های بسیاری با آزموده همراه شدند و دختران خود را برای تحصیل در این مدرسه ثبت‌نام کردند. در سال‌های نخست تاسیس مدرسه استقبال تهرانی‌ها از دبستان ناموس آنقدر زیاد بود که تنها ۸ سال بعد از تاسیس نخستین دبستان دخترانه پایتخت، تهران صاحب ۶ مدرسه دخترانه شد. پس از این استقبال چشمگیر، آزموده و همکارانش دست به توسعه دبستان ناموس زدند و برای تحصیل دختران در مقاطع بالاتر نیز برنامه‌ریزی کردند؛ تا جایی که پس از تاسیس مقطع دبیرستان، در سال ۱۳۰۷ نخستین گروه از دختران تهرانی توانستند از این مدرسه مدرک دیپلم بگیرند.»

بنای مدرسه ناموس در محله حسن آباد نه تنها یادآور یکی از مفاخر این محله است، بلکه روایت‌هایی از تلاش و از خودگذشتگی بانویی را در دل خود جای داده که مقدمات تحصیل دختران تهرانی را در دوران قاجار فراهم کرد. طوبی آزموده که خود در محله سنگلج و در خانواده‌ای نظامی به دنیا آمده بود، آستین همت بالا زد و با همکاری دیگر بانوانی که برای تحصیل دختران دغدغه داشتند، نخستین مدرسه دخترانه تهران را در محله حسن آباد تاسیس کرد. محمود منبعی، تهران پژوه در این باره می‌گوید: «کار طوبی آزموده به این دلیل پراهمیت است که در دوران قاجار و همان روزها که تحصیل دختران، در برخی فرهنگ‌ها پسندیده نبود، جسورانه پا در میدان گذاشت و با تاسیس نخستین مدرسه دخترانه مهم‌ترین قدم را برای تحصیل دختران برداشت. پدرش میرزا حسین‌خان سرتیپ که یکی از درجه‌داران ارتش بود، معلمی برای دخترش استخدام کرد و طوبی آزموده در خانه، علاوه بر تحصیل، زبان‌های فرانسه، عربی و انگلیسی را هم یاد گرفت. آزموده سال ۱۲۸۶ و وقتی ۲۹ سال داشت، دبستان ناموس را در چهارراه حسن آباد تاسیس کرد.»

آن روزها تاسیس مدرسه دخترانه مخالفان بسیار داشت؛ از مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی تا برخی نمایندگان

قصاب لرستان در حسن آباد چه می‌کرد؟

■ موضوع: خانه احمد قصاب
■ ویژگی: خانه‌ای با یازده عمارت

احمد آقاخان امیراحمدی از سربازان گوش به فرمان پهلوی اول بود که سال ۱۳۰۱ با درجه امیرلشکری به فرماندهی لشکر غرب که مرکز آن در همدان بود، منصوب شد. او در سال ۱۳۰۸ نخستین کسی بود که به دستور رضاخان به درجه سپهبدی رسید. وقتی به ماموریت لرستان رفت، دست به قتل عام معتزضان زد و خشن‌ترین رفتارها را به کار گرفت.

رضاخان به پاس خدمات امیراحمدی، عالی‌ترین نشان نظامی آن زمان را به او داد. فردی که مورد نظر و حمایت پهلوی اول بود، به دلیل خشونت و



است: «امیراحمدی آنقدر متکبر بود که مردم وقتی می‌خواستند تکبر فردی را مثال بزنند به کنایه می‌گفتند مثل دختر امیراحمدی است!» خانه سپهبد امیراحمدی دارای ۱۱ عمارت تاریخی است که بخش‌هایی از آن در دوران پهلوی اول و دوم احداث شده است. این خانه ۷ هزار مترمربعی در خیابان حافظ، نرسیده به میدان حسن آباد، بین خیابان‌های پیام انقلاب و شهید محمدعلی بسیدصدری قرار دارد و اکنون به‌صورت مخروبه درآمده است.

بود. افتخار امیراحمدی هم این بود که کنتورهای برق خانه‌های بسیاری به نام او است. به همین دلیل مردم محلی به او لقب احمد آقاخان کنتوری داده بودند. نصرالله حدادی، تهران پژوه، می‌گوید: «هفته‌نامه توفیق سال ۱۳۲۲ کار یگانوری کشیده بود با تیتر «مرا به تهران، ۷۰۰ کنتور است!» این تیتر کنایه به املاک امیراحمدی داشت.» این تهران پژوه از لقب دیگر امیراحمدی برامان می‌گوید که بیانگر تکبر این سپهبد قسی‌القلب